

The role of Imamzadegan in creating cultural and social convergence between Shia and Sunnis in Afghanistan (from the Timurid period to the present day)

Hussain Abdul Mohammadi¹ | Mohammad Reza Ziaee²

(DOI): [10.22034/SKH.2023.15099.1377](https://doi.org/10.22034/SKH.2023.15099.1377)

Original Article

P 145 - 165

Abstract

The tombs of Imamzadegan buried in Afghanistan play a significant role in bringing together among the Muslims of this country. This research aims to explain and analyze the position and role of the graves of the mentioned Imamzadegan in creating convergence and peaceful coexistence among the Muslim people of Afghanistan. This research has been done with the method of collecting library data and in a descriptive and analytical way. The achievement of this research is that the graves of the Imams in Afghanistan, because of the sanctity they have in the eyes of all people; It has had a good influence on the convergence of the society, and it has connected the followers of Islamic religions together like a unifying thread, and has prevented religious divisions and dispersion. This convergence crystallized in the form of cultural programs that are carried out in these holy places such as; Imamzadegan pilgrimage, appeal, teaching and learning, prayer and social programs such as; The cultural-religious gatherings of Nowruz Eid have in these blessed shrines and holy places.

Keywords: words: cultural integration, social integration, Imamzadegan, Bekaa Mutbarkeh, Afghan tombs.

1 - History Department of Ahl al-Bayt (AS), Higher Education Complex of History, Sira and Islamic Civilization of Al-Mustafa (PBUH) Al-Alamiya University, Qom, Iran. (hosein_abdolmohamadi@miu.ac.ir)

2 - Ph.D. in Fiqh and Islamic Studies, majoring in Islamic History, Al-Mustafa (PBUH) Al-Alamiya University. Afghanistan (rezaziae19@yahoo.com)

Received: 2023/01/18 | Accepted: 2023/02/27



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

نقش امامزادگان در همگرایی فرهنگی و اجتماعی میان شیعه و اهل سنت افغانستان (از تیموریان تا معاصر)

حسین عبدالمحمدی (نویسنده مسئول) | محمد رضا ضیایی^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2023.15099.1377](https://doi.org/10.22034/SKH.2023.15099.1377)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص: ۱۶۵/۱۴۵

چکیده

مزار امامزادگان مدفون در افغانستان، در همگرایی بین مسلمانان این کشور، نقش بسزایی دارد. این پژوهش درصدد است جایگاه و نقش قبور امامزادگان مذکور در همگرایی و همزیستی مسالمت‌آمیز بین مردم مسلمان افغانستان را تبیین و تحلیل کند. این پژوهش با روش گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. دستاورد این پژوهش این است که قبور امامزادگان در افغانستان، به خاطر قداستی که نزد همه مردم دارند، از اثرگذاری خوبی در همگرایی جامعه برخوردار بوده، و مانند ریسمان وحدت‌بخش پیروان مذاهب اسلامی را به هم پیوند زده، و از شقاق و پراکندگی مذهبی بازداشته است. این همگرایی در قالب برنامه‌های فرهنگی، که در این مکانهای مقدس انجام می‌گیرد (زیارت امامزادگان، توسل، تعلیم و تعلم، دعا و نیایش) و برنامه‌های اجتماعی (تجمعات فرهنگی-مذهبی عید نوروز)، در این مراقد متبرک و اماکن مقدس تبلور پیدا کرده است.

واژگان کلیدی: همگرایی فرهنگی، همگرایی اجتماعی، امامزادگان، بقاع متبرکه، مزارات افغانستان.

۱ - گروه تاریخ اهل بیت (ع)، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی (ص) العالمیه، قم، ایران.
(hosein_abdolmohamadi@miu.ac.ir)

۲ - دکتری فقه و معارف اسلامی با گرایش تاریخ اسلام، جامعه المصطفی (ص) العالمیه، افغانستان.
(rezaziae19@yahoo.com)



۱. مقدمه

زیارت قبور امامزادگان، یکی از شعائر اسلامی و ازجمله شاخص‌های دین‌مداری و اهل بیت- محوری به شمار می‌رود. حضور مردم مسلمان افغانستان، اعم از شیعه و سنی، در مزار امامزادگان و زیارت آن بزرگواران، نشان از اعتقاد مشترکی است که در این جامعه ریشه دوانده، و در راستای آموزه‌های دینی است. قبور امامزادگان به عنوان یکی از ارکان و مؤلفه‌های هویتی مسلمانان افغانستان، نقش بسیار مهمی در کارکردهای فرهنگی و اجتماعی این جامعه دارد و از دیرباز مورد توجه و استقبال این سرزمین بوده است. هرچند زیارت قبور و گرامی‌داشت و زنده نگه‌داشتن نام و یاد درگذشتگان ریشه در فطرت انسان دارد، ولی فقهای مذاهب اسلامی نه تنها بر جواز و مشروعیت زیارت بقاع متبرکه و قبور مسلمانان فتوا داده‌اند، بلکه بسیاری از فقهای مذاهب اسلامی، زیارت قبور و بقاع متبرکه را مستحب دانسته‌اند. (ر.ک: درگاهی، ۱۳۹۶، ش، ۱۴۰-۱۲۹)

مردم افغانستان به‌ویژه پس از ظهور سلسله تیموریان، به قبور امامزادگان احترام ویژه‌ای می‌گذاشتند و این قبور جایگاه ویژه‌ای برای بروز و ظهور رفتار و تبادلات فرهنگی داشته است. حضور زائران فراوان شیعه و سنی نزد این قبور در نقاط مختلف کشور، نشان از جایگاه معنوی آنها نزد مردم مسلمان افغانستان است. (بختیاری، ۱۳۸۵، ش، ۳۸۰؛ ناصری، ۱۳۸۸، ش، ۴۵۲). از این رو سؤالی که مطرح می‌شود این است که نقش امامزادگان در همگرایی بین شیعه و اهل سنت افغانستان از ظهور تیموریان تا معاصر چگونه بوده است؟

به نظر می‌رسد یکی از ظرفیت‌های مراقد امامزادگان در افغانستان، که باید مورد توجه قرار گیرد، ایجاد حس همگرایی و وحدت اجتماعی میان مسلمانان این کشور است؛ زیرا مزار امامزادگان همواره به عنوان قطب فرهنگی و مذهبی جامعه بوده و مردم مسلمان افغانستان نیز همیشه و به‌ویژه در مناسبت‌های مختلف به این بقاع متبرکه مشرف می‌شوند و در آنجا به نماز، زیارت، دعا، تلاوت قرآن و نیایش می‌پردازند. از این رو توجه به این بخش از کارکرد بقاع متبرکه امامزادگان و نقش آنها در ایجاد همگرایی میان مردم مسلمان افغانستان، که سالهاست محل جولان برخی گروه‌های تندرو قرار گرفته است، اهمیت بیشتری دارد. تحقیق حاضر با بهره‌بری از منابع مکتوب و کتابخانه‌ای و استفاده از روش تحلیلی- توصیفی به این سؤال پاسخ داده است که بقاع متبرکه امامزادگان چه نقشی در ایجاد همگرایی میان مردم مسلمان افغانستان دارد؟

با توجه به جستجوی انجام‌شده، تحقیق مستقل و جامعی درباره این موضوع صورت نگرفته است؛ هرچند پژوهش‌های پراکنده به صورت کلی انجام شده است. این مقاله با ذکر نمونه‌های

تاریخی نقش قبور متبرکه امامزادگان را در ایجاد همگرایی میان مسلمانان افغانستان بررسی کرده است.

مردم مسلمان افغانستان، اعم از شیعه و سنی، زیارت قبور امامزادگان را مستحب و با فضیلت دانسته، به آنان متوسل می شوند و معمولاً امواتشان را کنار مراقد مشرفه امامزادگان دفن می کنند. در ایام محرم و عاشورای حسینی در حرم امامزادگان برای امام حسین (علیه السلام) عزاداری می کنند. در مجالس موعظه و نصیحت، که در این اماکن برگزار می شود، شرکت کرده و در آغاز سال جدید و عید نوروز نیز پرچمی را به نام و یاد مولا علی (علیه السلام) یا علی گویان بلند می کنند. همه این امور بیانگر حرمت این مزارات نزد آنان و نشان از همگرایی و وحدت اجتماعی مسلمانان افغانستان است.

۲. مفاهیم

با توجه به نقش و جایگاه مفهوم شناسی در پژوهش های علمی و اهمیت شناخت معنای واژگان در تبیین موضوع بحث، پیش از هر چیز واژه ها و مفاهیم کلیدی این پژوهش تبیین می شود.

۲-۱. امامزادگان

امامزاده به فرزند یا فرزندزاده یکی از امامان معصوم (علیهم السلام) اطلاق می شود؛ چنانکه به مقبره و مزار فرزند یا فرزندزاده یکی از امامان شیعه نیز امامزاده گفته می شود. (دهخدا، ۱۳۴۲، ۸: ۱۳۹؛ انوری، ۱۳۸۱، ۱: ۵۵۵) هرچند در افغانستان به ویژه در شهر هرات، امامزادگان زیادی مدفون است، اما در تحقیق حاضر، به صورت موردی فقط به نقش چند امامزاده معروف در شهر هرات، مانند امامزاده عبدالله، امامزاده قاسم و مزار شریف حضرت یحیی در جوزجان و زیارت سخی در مزار شریف، پرداخته شده است.

۲-۲. تیموریان هرات

سلسله تیموریان هرات توسط تیمور لنگ پایه گذاری شد. وی از فاتحان بزرگ و جهانگشایان شگفت انگیز تاریخ دانسته شده است که فتوحات بسیار انجام داد. (مبارک، ۱۳۸۵: ۶۰۲؛ راوندی، ۱۳۸۲، ۲: ۴۵۷-۴۵۵) ولی متأسفانه به ارتقای فرهنگ اهمیت نداد و همه تلاشش کشورگشایی بود. (راوندی، ۱۳۸۲، ۲: ۴۷۳) اما با ظهور شاهرخ میرزا (۸۵۰-۸۰۷ق) و انتقال پایتخت از سمرقند به هرات، رونق فرهنگی، دانش ورزی و تعلیم و تربیت اسلامی در افغانستان شروع شد. او افزون بر اینکه خرابی های چنگیز و تیمور را آباد کرد، برای گسترش فرهنگ اسلامی، علم و دانش و مراکز

فرهنگی-آموزشی نیز تلاش کرد. وی توانست شهر هرات را به یکی از شهرهای افسانه‌ای جهان و مرکز دانش و فنون و رفاه تبدیل کند. (ناصری داوودی، ۱۳۷۸ش: ۱۲۸؛ ضیایی، ۱۳۹۸ش: ۳۲۱). از حاکمان معروف تیموریان هرات، شاهرخ میرزا و سلطان حسین بایقراست. گوهرشاد خانم هرچند حاکم و پادشاه نبود، ولی به عنوان یک شاهزاده کارهای فرهنگی فراوانی انجام داده است.

۲-۳. همگرایی

همگرایی Integration به معنای تقارب و نزدیک شدن اجزای یک کل به یکدیگر است و به معنای پیوستگی و نزدیکی اعضا یا اجزای یک مجموعه به یکدیگر و به معنای اتحاد به کار رفته است. (انوری، ۸: ۸۴۱۱). بنابراین همگرایی در این پژوهش به معنای وحدت، اتحاد و هم‌سویی مسلمانان با توجه به اشتراکات دینی-مذهبی است. چنانکه در محافل علمی و سیاسی وقتی از وحدت مسلمانان سخن گفته می‌شود، مراد همان همگرایی، هم‌سویی و اتحاد و همبستگی مسلمانان است که بر پایه برادری و همکاری و با توجه به عقاید مشترک شکل می‌گیرد.

در یک تقسیم‌بندی کلی، نوعی همگرایی در جوامع انسانی متصور است که عبارتند از: همگرایی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی.

همگرایی فرهنگی به معنای سازواری پیروان مذاهب مختلف موجود در قلمرو یک حکومت و در چارچوب قوانین و سیاست‌های کلی آن حکومت است؛ یعنی در عین پذیرش تنوع و تکرر ادیان و مذاهب و حرمت نهادن به ویژگی‌های خاص آنها، هدف و غایت واحد دارند. (الویری، ۱۳۸۷: ۱۸ ساروخانی، ۱۳۸۰، ۱: ۱۷۰)

همگرایی فرهنگی، نوعی هم‌سویی و هم‌نوایی در ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتار تلقی می‌شود. اگر مؤلفه‌های فرهنگی، تأثیرات مشابهی داشته باشند و این اشتراک، باعث دگرگونی اجتماعی یگانه‌ای شود، فرایند همگرایی فرهنگی روی می‌دهد. (احمدی، ۱۳۸۱: ۲۰۷) همگرایی اجتماعی از توسعه روابط اجتماعی، که باعث ایجاد حس یک اشتراک میان اعضاء گردد، نشأت می‌گیرد؛ به تعبیر دیگر بنیان زندگی اجتماعی بر هم‌گرایی شکل می‌گیرد. هم‌گرایی اجتماعی نتیجه باورها و آرمان‌هایی است که در وجود آحاد جامعه تبلور یافته و به شکل رفتارهای اجتماعی بازتاب می‌یابد. در همگرایی سیاسی اتخاذ سیاست‌های مشترک و واحد اعضا مورد توجه قرار گرفته است. چنانکه در همگرایی اقتصادی نیز نحوه ارتباطات اقتصادی مورد توجه است. (کولایی، ۱۳۷۹: ۶-۱۰).

عصر تیموریان نقطه عطف تاریخی

با حمله مغول به افغانستان، وضعیت فرهنگی این سرزمین مانند دیگر ابعاد اجتماعی آن به شدت آسیب دید. یکی از بارزترین نتایج این حمله تزلزل در بخش فرهنگی بود و کمترین توجهی به فرهنگ و تمدن این سرزمین نشد. (جوینی، ۱۳۸۵ ش، ۱: ۳). به واقع پس از حمله مغول تا سال‌ها هیچ توجهی به دانش و دانشمندان نشد و آنچه نزد مغولان ارزش و اعتباری نداشت، مسئله فرهنگ بود. (ابن خلدون، ۱۳۸۸، مترجم: محمد پروین گنابادی، ۲: ۱۱۵۲). دانستن این مطلب که مغولان خود از علم و دانش و فرهنگ بهره‌ای نداشتند، پذیرش این ویرانگری را آسانتر می‌کند. طبعاً منطق شمشیر و افتخار به تعداد کشتگان، که مغولان از آن پیروی می‌کردند، با فرهنگ، کتاب و قلم سازگار نبود. (جوینی، ۱۳۸۵ ش، ۴۳: ۱-۴۵). در این وضعیت به غایت بغرنج نه تنها از فرهنگ اسلامی، عالمان و فاضلان حمایتی نمی‌شد، بلکه هرکسی و از هر طبقه‌ای و از جمله دانشمندان طعمه شمشیر می‌شدند و مساجد و مکان‌های فرهنگی تخریب می‌شد. (جوزجانی، ۱۳۶۲، ۲: ۱۲۳-۱۲۴).

مغولان به حدی به علم و دانش بی‌توجه بودند که صندوق‌ها و مصحف‌های قرآن کریم را آخور اسبان خویش کردند. (بناکتی، ۱۳۴۸: ۳۶۶؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ۲۳۶؛ فضل الله، ۱۳۷۴: ۳۶۱؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ۳: ۲۸). در افغانستان از هر لحاظ به ویرانگری و غارت و تاراج دست زدند و از لحاظ علمی- فرهنگی و آموزشی بیشتر نهادهای فرهنگی مانند مساجد و دانشگاه‌ها (مدارس) را از بین بردند. (نخستین، ۱۳۶۷: ۷۵). بنابراین در پی حمله مغول به افغانستان، مراکز فرهنگی و همین طور علم و دانش رو به افول گذاشت و نشانی از فرهنگ و ادب به جای نماند.

با روی کار آمدن تیموریان هرات، یکی از باعظمت‌ترین و درخشان‌ترین دوره تاریخ کشور افغانستان رقم خورد. این دوره تاریخی از لحاظ رشد فرهنگ، ادب، علم و صنعت با هیچ دوره‌ای قابل قیاس نبوده است. بقایای تمدن تیموریان هرات تا امروز نیز باعث شهرت کشور افغانستان شده است. با نشستن شاهرخ میرزا بر اریکه سلطنت، عالمان، دانشمندان، نویسندگان، شعرا، ادبا و هنرمندان اعم از شیعه و اهل سنت از هر گوشه و کنار به هرات روی آوردند و مرکز تمدن تیموری از سمرقند، که به همت امیر تیمور گورگانی به عروس شهرها و جایگاه دانشمندان و صنعتگران و هنرمندان تبدیل شده بود، به هرات انتقال یافت. هرات با وجود تحمل تخریب حمله چنگیز در مدت بیشتر از صد سال مرکز علم و هنر باقی ماند. (ر.ک: ضیایی، ۱۳۹۸: ۳۲۱-۳۲۶).

۳. هم گرایی فرهنگی

مزار امامزادگان نقش بسزایی در همگرایی فرهنگی مردم افغانستان دارد. در اینجا مهم‌ترین محورهای آن را مرور می‌کنیم:

۳-۱. همگرایی در حوزه تعلیم و آموزش

مزار امامزادگان و اماکن مذهبی از گذشته‌های دور مورد توجه عالمان دینی، به عنوان مرکز علمی بوده است. بدین معنا که بسیاری از بزرگان علم و دانش، حوزه‌های درسی خویش را در جوار مزارات و بقاع متبرکه برگزار می‌کردند. همانطور که شهرهای مذهبی مانند، نجف اشرف، کربلای معلا، قم و مشهد مقدس، همواره محل تجمع عالمان بزرگ شیعی بوده است، بقاع متبرکه امامزادگان در افغانستان نیز از دیرباز مرکز علمی و محل تعلیم و تدریس بوده است. (ر.ک: رحمانی ولویی، ۱۳۸۶، ۱: ۲۹۱؛ خوامی منشی، ۱۳۵۷: ۱۳۱-۱۳۰؛ واعظ هروی، بی‌تا: ۱۸۰؛ بورکی سرژ، ۱۳۶۰، ترجمه فرهاد روان: ۲۳۷؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۱۸۹-۱۹۰) بنابراین می‌توان گفت مراقد متبرکه امامزادگان به عنوان مرکز تعلیم و آموزش نقشی مهم در ایجاد همگرایی مسلمانان دارند. چنانکه مزار عبدالله از تبار جعفر طیار (علیه السلام) و مزار ابوالقاسم از فرزندان امام صادق (علیه السلام) همواره محل برگزاری مجالس درس و وعظ بوده است. (جمعی از محققان، ۱۳۸۶: ۱۸۹-۱۹۰)

نکته مهم اینکه در این حوزه‌های درسی، حضور شیعه و سنی کنار هم بوده است؛ به‌طوری‌که سر کلاس برخی از اساتید شیعه در این اماکن متبرکه، شاگردان سنی نیز شرکت می‌کردند. به عنوان نمونه، عالمان شیعی مانند واعظ کاشفی، اصیل الدین دشتکی و جمال الدین عطاء الله محمد دشتکی شاگردانی از اهل سنت داشتند. (ضیایی، ۱۳۹۸: ۳۲۹-۳۳۰)

در سده‌های اخیر با توجه به وضعیت سیاسی و عدم توجه حاکمان به فرهنگ و دیانت، رونق علمی مراقد امامزادگان در افغانستان از میان رفته است. هرچند کنار زیارت‌گاه‌هایی مانند مزار شریف، زیارتگاه حضرت یحیی و امامزادگان هرات، حجره‌هایی ساخته شده است که در آنها قرآن کریم تدریس می‌شود و برنامه‌هایی نیز برای حفظ قرآن برای فرزندان شیعه و سنی وجود دارد. (عبدلی رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۰۲)

۳-۲. همگرایی در اخلاق و معنویت در مزار امامزادگان

یکی از شاخصه‌ها و مؤلفه‌های همگرایی میان مسلمانان، که همراه معنویت است، تشرف به زیارت قبور بزرگان دینی و مذهبی، مانند امامان (علیهم السلام)، امامزادگان و بزرگان دینی، است که در منابع

دینی به آن تأکید شده است؛ زیرا برتری روحی و مقام معنوی آنان، باعث می شود زائر به افکار و اهداف آنان بیندیشد و با آنها تجدید عهد و میثاق کرده، از آنان کسب معنویت نماید. بسیاری صاحب نظران شیعه و اهل سنت معتقدند که زیارت قبور صالحان و بزرگان دینی و مذهبی به دلیل جایگاه معنوی آنان محبوب است و باعث افزایش معنویت در زائر می شود؛ چه اینکه خیر و برکت صالحان همان گونه که در زمان حیات شان وجود داشته، پس از وفات شان نیز جاری است و دعا نزد قبور آنان و شفاعت خواستن به وسیله آنها برای بزرگان و عالمان دینی همواره مورد عمل بوده است. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۱۷۲؛ سبکی شافعی، ۱۴۱۹ق؛ ۹۷ و ۱۹۶؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۶ق، ۸: ۲۸۹) برخی نیز زیارت قبور را به خاطر تذکر و زیارت قبور صالحان را به خاطر تبرک مستحب دانسته است. (غزالی، بی تا، ۱۵: ۱۷۴؛ بکری دمیاطی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۱۳۷). بدین ترتیب، یکی از زیارت هایی که عالمان شیعه و اهل سنت به فضیلت و استحباب آن تأکید کرده اند، زیارت امام زادگان، مؤمنان، صالحان و بزرگان دینی و مذهبی است. چنانکه در سیره عملی پیامبر ﷺ نیز گزارش های فراوانی از زیارت قبور ثبت شده است. به عنوان نمونه پیامبر ﷺ به زیارت قبر مادرش، آمنه، تشریف می بردند و کسانی نیز همراه ایشان می رفتند. (خواستی العبسی، ۱۴۰۹ق، ۳: ۲۹؛ بیهقی، ۱۴۱۰ق، ۲: ۳۶؛ همو، ۱۴۱۲ق، ۵: ۳۴۴؛ نسائی الخراسانی، ۱۴۲۱ق، ۲: ۴۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۰: ۲۹۸).

در منابع روایی شیعه و اهل سنت، احادیثی از پیامبر ﷺ از طرق مختلف و با الفاظ و تعابیر گوناگون نقل شده که مسلمانان را به زیارت قبور تشویق کرده است. (ر.ک: احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۵: ۳۶۱؛ ابن ابی شیبۀ الکوفی العبسی، ۱۴۰۹ق، ۳: ۳۴۲؛ ترمذی، ۱۴۱۹ق، ۴: ۲۱۰؛ ح ۹۷)

مسلمانان افغانستان نیز اعم از شیعه و سنی به ویژه پس از ظهور تیموریان، به زیارت قبور متبرکه امام زادگان مشرف می شدند. آنان بدون نظر به گرایش مذهبی صاحب بقاع، بلکه به عنوان یک شخص صالح و امام زاده به زیارت آن می شتافتند. برای نمونه مزار امام زاده قاسم در هرات، یکی از بقاع متبرکه هرات است. این بقعه همه روزه پذیرای زوار شیعه و سنی کنار هم بوده است.

امروزه بقعه حضرت یحیی (علیه السلام)، که به آن زیارت امام خُرد می گویند، نیز در شهر سرپل جوزجان (مرکز ولایت سرپل)، از مهم ترین زیارتگاه هاست و مردم از دور و نزدیک، به ویژه از یک های سرپل، که اهل سنت هستند، مانند شیعیان به زیارت این مزار می روند و آمدوشد زائران موجب رونق شهر شده است. (بختیاری، ۱۳۸۵: ۳۸۰؛ خلیل، ۱۳۴۱: ۱۵-۱۷)

زیارت و توسل از امور مشترک میان شیعیان و اهل سنت افغانستان به حساب می آید؛ همانگونه که شیعیان به امام زادگان متوسل می شوند، اهل سنت نیز به آن بزرگواران متوسل شده، برای برآورده

شدن حاجات خویش به دعا و نیایش می‌پردازند. (مفتی، ۱۳۹۳: ۸)

برای نمونه یکی از برنامه‌هایی که در زیارتگاه امامزاده قاسم (علیه السلام) در هرات همواره وجود دارد، برپایی برنامه دعا و نیایش است. یکی از محققان در این باره می‌گوید:

مزار پرفیض حضرت شهزاده (امامزاده) قاسم، زیارت‌گاه خاص و عام است که روزانه صدها نفر اهل دل، در آن مستفیض می‌شوند؛ به‌ویژه در شب و روز چهارشنبه که مراسم دعاخوانی برگزار می‌گردد، تشنگان فیض بیشتر در مزارشان تجمع می‌کنند. (همان: ۸)

در حال حاضر نیز روزانه تعداد زیادی از مردم، به‌خصوص در روزهای جمعه، که بیش از هزار نفر در مسجد جامع شهزادگان برای ادای نماز جمعه حضور پیدا می‌کنند، پیش یا پس از ادای نماز، زادگاه خواجه عبدالله انصاری و مزار شهزادگان را زیارت می‌کنند.

کهن‌دژ مصرخ، افزون بر اینکه مدفن شهدا، اولیا و بزرگان بی‌شماری است، تعدادی از انبیاء گذشته را نیز در خود جای داده است. (همان: ۲۹) براین اساس مردم هرات به این زیارت‌گاه اعتقاد و ارادت قلبی دارند و همواره برای صفای درون و صیقل روح در آن حضور پیدا کرده و به دعا و نیایش می‌پردازند.

سخی مزار شریف، که به خاطر تشابه اسمی برخی اهل سنت افغانستان معتقدند مزار امام علی (علیه السلام) در آنجا واقع شده است، درواقع قبر یکی از امامزادگان از نسل امام سجاد (علیه السلام) است که با هفت واسطه به آن حضرت می‌رسد. (ر.ک: ابن فندق، ۱۴۰۵ق، ۲: ۵۷۱-۵۷۲؛ ابن عنبه، ۱۳۴۶: ۱۸۱-۱۸۰؛ باخرزی، ۱۴۱۴ق، ۲: ۸۱۷) مردم مسلمان افغانستان به زیارت این امامزاده، معروف به سخی، که منسوب به امام علی (علیه السلام) است مشرف می‌شوند، دعا می‌کنند و از خداوند می‌خواهند که به طفیل دوستی و مقبولیت این شیرمرد درگاهش، مشکل آنها را آسان کند. وقتی به آرامگاه داخل می‌شوند، قفل‌های دروازه را می‌بوسند. در دیگ بزرگی که در نخستین تالار آرامگاه گذاشته شده است، با نیت‌های خاصی پول می‌اندازند، از زیر دیگ می‌گذرند و بر این باورند که مشکل آنان این-گونه حل می‌شود. (آریانفر، ۱۳۸۳: ۱۶۰) مردم افغانستان از نقاط مختلف کشور به زیارت مزار شریف منسوب به امام علی (علیه السلام) و معروف به «سخی» مشرف می‌شوند. زائران ضمن عرض ارادت و زیارت آن قبر منور، به دعا و نیایش و تلاوت قرآن می‌پردازند. (وابری، ۱۳۸۷: ۳۰۵)

۳-۳) همراهی در برگزاری مجالس عزاداری حسینی

یکی از مواردی که مزار امامزادگان نقش مؤثری در همگرایی میان مسلمانان افغانستان دارد و

برای افزایش اخلاق و معنویت جامعه نیز اثرگذار است، برگزاری مراسم دینی و مذهبی، به‌ویژه مراسم عزاداری امام حسین (علیه السلام) در عاشورا است که به صورت مشترک میان شیعه و سنی انجام می‌شود. به این معنا که شیعه در مراسم اهل سنت، و اهل سنت در مراسم شیعه که از طرف شیعیان برگزار می‌شود، شرکت می‌کنند؛ برای نمونه، یکی از امام‌زادگان در افغانستان مزار امامزاده یحیی در سرپل جوزجان است که نزد اهل سنت به امام خُرد (کوچک) معروف است و همواره مورد احترام آنان بوده است. این مرقد از آغاز تا کنون، به عنوان محل مقدس و بقعه مبارک مورد توجه فراوان مردم از جمله اهل سنت نیز بوده است. (بختیاری، ۳۸۰: ۱۳۸۵؛ خلیل، ۱۳۴۱: ۱۵-۱۷). به‌طوری‌که مردم اهل سنت سرپل، از جمله ازبک‌های سنی‌مذهب، در ایام عاشورا با ذبح گوسفند و گاو و اطعام و دادن نذورات دیگر، روز عاشورا را گرامی می‌دارند، و در مراسم عزاداری نیز شرکت می‌کنند. این همگرایی و وحدت عقیده به‌قدری پررنگ است که کسانی که از خارج منطقه در این مراسم حضور می‌یابند، به‌سادگی متوجه تفاوت مذهبی عزاداران حسینی در امامزاده یحیی نمی‌شوند و اهل سنت ازبک نیز مانند شیعیان هزاره و بلوچ در آن شرکت می‌کنند. (ناصری داوودی، ۱۳۸۸، ۴۵۲).

از دیگر امام‌زادگان و زیارت‌گاه‌های مهم در افغانستان زیارت سخی مزار شریف، منسوب به امام علی (علیه السلام) است. در این مکان مقدس، افزون بر منقبت‌خوانی و مداحی، که روزهای جمعه توسط مداحان و منقبت‌خوانان انجام می‌شود، در ایام محرم و عاشورا نیز مراسم باشکوه عزاداری با حضور اقشار مختلف جامعه، اعم از شیعه و سنی، برگزار می‌گردد که اوج همگرایی مسلمانان را به نمایش می‌گذارد. این زیارتگاه در ایام محرم و سایر ایام حزن و اندوه ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز محل اجتماع زائران، به‌ویژه زائران اهل سنت است.

زیارت‌گاه سخی در سال‌های اخیر، با همه فراز و فرودهای سیاسی و فرهنگی و جنگ‌ها و تجاوزات، به عنوان کانون توجه به اهل بیت (علیهم السلام) و محل ذکر فضایل و مصائب خاندان رسالت عمل کرده است. زائران آن هم، بیشتر اهل سنت هستند که به مناسبت‌های مختلف به سوی آن روی می‌آورند و با زیارت و دعا در آن مکان مقدس، کسب معنویت و صیقل روح می‌کنند. (همان: ۴۴۴)

۳-۴. برگزاری جلسات مشترک وعظ و سخنرانی

جلسات موعظه و سخنرانی، که برای افزایش اخلاق و معنویت در جامعه، صورت می‌گیرد، نقش مهمی در ایجاد همگرایی و همزیستی مسالمت‌آمیز می‌تواند داشته باشد؛ به‌ویژه که در این جلسات پیروان شیعه و سنی شرکت داشته باشند و واعظ نیز مورد اعتماد و قبول هر دو طایفه باشد. یکی از

کارکردهای مهم قبور امامزادگان در افغانستان از گذشته‌های دور، برگزاری برنامه‌های سخنرانی و موعظه و نصیحت در آن بقعه‌های مبارک است. مراقد امامزادگان و بزرگان دینی و مذهبی و اماکن منسوب به ائمه (علیهم‌السلام) مانند، قدمگاه‌ها، همواره محل وعظ واعظان و نصیحت عالمان دینی بوده است. جلسات وعظ و سخنرانی با برگزاری مجالس عزای حسینی متفاوت است؛ زیرا مجلس عزای حسینی فقط در ایام محرم و عاشورا برگزار می‌شود؛ در حالی که جلسات وعظ بیشتر پس از ظهرهای پنجشنبه و صبح‌های جمعه برگزار می‌شود.

شخصیت‌های علمی و اثرگذار اجتماعی در مناسبت‌های مختلف مخصوصاً در شب‌های جمعه، بر سر مزار متبرکه امامزاده حضور یافته و به سخنرانی و موعظه می‌پردازند؛ به‌طوری که افزون بر مردم محل، زائرانی که از دور و نزدیک به زیارت مشرف می‌شوند نیز از این فرصت استفاده کرده و از این جلسات موعظه و نصیحت بهره می‌برند. (ر.ک: خوامی منشی، ۱۳۵۷: ۱-۱۳۰؛ واعظ هروی، بی‌تا: ۱۸۰؛ بورکی، ۱۳۶۰: ۲۳۷؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۱۸۹-۱۹۰)

یکی از شخصیت‌های علمی و فرهنگی که در روضه مبارکه مزار شریف به سخنرانی و موعظه می‌پرداخت، عبدالواسع بن میر کمال انصاری است. وی از علما و خطبای برجسته شهر مزار شریف به شمار می‌رفت. پدرش، ملا میرکمال، نیز امام و خطیب مسجد جامع روضه مبارک بود. در سال ۱۲۸۶ شمسی پدرش از دنیا رفت و عبدالواسع به جای پدر، کرسی خطابه مسجد جامع روضه مبارک را عهده‌دار شد. او مدت ۴۵ سال در این سنگر تبلیغ و ارشاد حضور داشت که با کمال تقوا و پرهیزکاری این وظیفه بزرگ را به عهده داشت و به امام روضه شهرت یافت. وی که گرایش تصوف داشت، شیعه و سنی در جلسات وعظ و خطابه‌اش شرکت می‌کردند. سرانجام این عالم فاضل در سال ۱۳۳۱ شمسی در سن ۷۵ سالگی جهان را بدرود گفت. اکنون قبر وی سمت شرق روضه مبارک است. (نگاشته بر سنگ قبر وی) کمال‌الدین واعظ کاشفی نیز از دیگر عالمان بزرگ است که چهارشنبه‌ها در مقبره امامزادگان هرات به موعظه اشتغال داشت. (مشار، ۱۳۴۰، ۲، ۸۱۱-۸۱۰؛ افندی، ۱۳۸۹، ۲: ۲۷۰)

براین اساس، یکی از برنامه‌های فرهنگی قبور امامزادگان در افغانستان، برگزاری جلسات وعظ و سخنرانی است که توسط واعظان و سخنرانان معروف شهر در این بقاع متبرکه انجام می‌شود.

بدین ترتیب، مردم و زائران این بقاع متبرکه افزون بر استفاده معنوی از مقام زیارتگاه و برقرار کردن ارتباط با امامزاده‌ها و دعا و نیایش در پیشگاه خدا، از افاضات و سخنرانی‌های عالمان و عارفان نامی شهر نیز استفاده می‌کردند. در چند سده اخیر نیز، که متأسفانه کشور افغانستان از لحاظ سیاسی در وضعیت نابسامان به سر می‌برد و دچار درگیری‌های داخلی بوده است، به تبع، وضعیت فرهنگی کشور

نیز تحت تأثیر قرار گرفته است و کارکرد فرهنگی مزارات نیز به شدت کاهش پیدا کرده است.

۳-۳. همگرایی در حوزه شناخت متقابل از باورهای همدیگر

یکی از عوامل واگرایی مسلمانان عدم شناخت اعتقادات و باورهای همدیگر است. برخی از اهل سنت، که تحت تأثیر تبلیغات مسموم وهابیت قرار گرفته‌اند، باور دارند که شیعیان وقتی به زیارت بزرگان دینی، امامان معصوم (علیهم‌السلام) و امامزاده‌ها مشرف می‌شوند، مستقیماً از آن بزرگواران طلب حاجت می‌کنند. این به گونه‌ای پرستش آنان تلقی شده و شرک است. چنان‌که برخی تبلیغ می‌کنند نماز شیعیان با اهل سنت متفاوت است؛ مثلاً شیعیان پس از سلام به جای تکبیر، خان‌الامین می‌گویند. (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ۱، ۸۶؛ سبحانی، ۱۴۲۵ق، ۱، ۴۵۹) اما وقتی خودشان همراه شیعیان به زیارت امامزادگان مشرف می‌شوند و می‌بینند که شیعیان نیز مانند آنان نماز می‌خوانند و زیارت می‌کنند و کنار قبر امامزاده و اماکن مذهبی به قرائت قرآن و دعا اهتمام می‌ورزند، متوجه می‌شوند که شیعیان نیز مانند آنان مسلمان هستند، نماز می‌خوانند، قرآن تلاوت می‌کنند و در قبور متبرکه امامزادگان به دعا و نیایش می‌پردازند. چه‌بسا با کتاب‌هایی که در زیارت‌گاه گذاشته شده است یا احیاناً از کتابخانه‌هایی که در این اماکن وجود دارند، استفاده کرده و با آداب زیارت شیعیان آشنا شوند. طبعاً آشنایی با اعتقادات و باورهای شیعیان درباره زیارت در قبور متبرکه امامزادگان، از واگرایی میان شیعه و سنی می‌کاهد و زمینه‌ساز همگرایی و وحدت‌نظر و عقیده میان مسلمانان خواهد شد. در افغانستان که غالباً تولید حرم امامزاده‌ها به دست اهل سنت است، (عبدلی رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۰۱؛ ۱۰۲ و ۱۱۹) اهل سنت هر روز شاهد حضور شیعیان در امامزاده‌ها و برنامه دینی و مذهبی آنها بوده و به‌خوبی به اشتراکات شیعه و سنی پی می‌برند و باعث تقویت همگرایی مسلمانان می‌شوند.

۴. نقش امامزادگان در همگرایی اجتماعی

یکی از انواع همگرایی، همگرایی اجتماعی است که در حیطه اجتماع یک مجموعه همسو به دنبال هدفی واحد در حرکت‌اند. مراقد امامزادگان به خاطر جایگاهی که میان مردم افغانستان دارد، در ایجاد همگرایی اجتماعی نیز نقش بسزایی دارد.

۴-۱. مشارکت در برپایی مراسم جشن نوروز

یکی از برنامه‌های اجتماعی در افغانستان عید و جشن نوروز است. مردم مسلمان افغانستان این عید باستانی را در شهرهایی مانند کابل، مزار شریف و هرات، با حضور در بقاع متبرکه و قبور امامزادگان، به‌صورتی

باشکوه برگزار می‌کنند. یکی از سنت‌های حسنه در افغانستان در این اماکن مقدس، مراسم بلند کردن پرچم و علمی به نام امام علی (علیه السلام) است. این نشان از محبت مردمان این دیار به خاندان اهل بیت (علیهم السلام) است. از نکته‌های جالب در این زیارت‌گاه حضور اهل سنت است که با برداشتن پرچم روضه و مزار منسوب به امام علی (علیه السلام) سال جدید را آغاز می‌کنند. (ناصری دلوودی، ۱۳۸۸: ۴۴۹-۴۵۰)

تجمع و گردهمایی مردم مسلمان افغانستان در نوروز و در زیارت سخی، نشان از نقش این بقعه متبرک در ایجاد همگرایی اجتماعی دارد. در آغاز سال جدید، جمعیت زیادی در این مراسم گرد هم می‌آیند و همین که متولیان روضه شریف، علم حضرت علی (علیه السلام) را از درون گنبد بیرون می‌آورند، مردم هجوم می‌آورند که دست خویش را به علم برسانند و از آن تبرک بگیرند. هنگام افراشتن علم غوغایی از مردم بلند می‌شود و صدای «یا علی» تا دورها در فضا می‌پیچد و اشک‌های مردم مثل دانه‌های باران از چشم‌ها جاری می‌شود. (عبدلی رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۱۰)

علم برافراشته‌شده منسوب به امام علی (علیه السلام) تا چهل روز هم‌چنان برافراشته می‌ماند و مردمانی که از شهرهای دوردست خود را به پای علم حضرت می‌رسانند، به نذر و نیاز می‌پردازند و در روز چهارم در مراسمی خاص علم پایین آورده می‌شود.

محقق دیگر، این مراسم معنوی را، که هر سال در عید نوروز و در زیارتگاه مزار شریف برگزار می‌شود، چنین توصیف کرده است:

مراسمی به نام «توق افشانی» برگزار می‌شود که باشکوه‌ترین مراسم نوروزی در کل افغانستان است. ده‌ها هزار نفر، که بیشتر هم از اهل سنت هستند، در آن شرکت می‌کنند. علمی برافراشته می‌شود که آن را توق (جَنده یا جهنده) حضرت علی (علیه السلام) می‌نامند و همه زیر آن جمع می‌شوند. آنها در این پاتوق به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) توسل می‌جویند و این توق تا چهل روز برپا می‌ماند. صوفیان اهل سنت نیز به این مزار شریف توجهی خاص دارند و در حجره‌های این مرقد، مجلس ذکر برپا می‌کنند. (ر.ک: احمدی، ۱۳۸۵: ۵۰؛ امیرخانی، ۱۳۹۰: ۱۹۳-۱۹۵ و ۲۰۵-۲۱۰) در خارج صحن نیز مقبره‌ای است که مدفون در آن را سیدعبدالله زربخشی خوارزمی از احفاد امام کاظم (علیه السلام) می‌دانند. (گنابادی، ۱۳۵۵: ۷۹-۸۴)

این مراسم که یکی از مصادیق مهم همگرایی مردم مسلمان افغانستان با محوریت بقاع متبرکه است، در شهر هرات نیز برگزار می‌شود. حدود نیم قرن است که همه‌ساله در روز اول نوروز مردم هرات هنگام تحویل سال، مراسم خاصی را در مزار امیر عبدالله واحد، که نسبش به زید بن علی (علیه السلام) می‌رسد، برگزار می‌کنند و علم شاه اولیاء علی (علیه السلام) در صحن این زیارتگاه برافراشته می‌شود. این علم

مشابه علمی است که در شهر مزار شریف برافراشته شده تا ۴۰ روز برپا می‌ماند و زائران و بیماران زیادی در این ایام به قصد شفا به این مکان می‌آیند.

بنابراین بقاع متبرکه و امامزادگانی که در افغانستان مدفون‌اند، نقش مؤثری در ایجاد همگرایی اجتماعی میان مردم مسلمان افغانستان دارند و در برنامه آغاز سال نو و مراسم عید نوروز در زیارت‌گاه‌های سخی در کابل، مزار شریف و بقاع متبرکه هرات تبلور و نمود پیدا می‌کند.

۴-۲. مشارکت در ساخت و ساز حرم امامزادگان

یکی از محورهای مؤلفه‌های مهم همگرایی مسلمانان که می‌توان گفت نقش مراقد متبرکه امامزادگان در آن برجسته است و جزء کارهای فرهنگی به حساب می‌آید، ساخت و ساز بقاع متبرکه است. حضور اهل سنت کنار شیعیان در ساخت بقاع متبرکه و حرم امامزادگان، از مصادیق مهم همگرایی به حساب می‌آید.

زیارت‌گاه امامزاده عبدالواحد در زمان تیمور گورکانی و عصر سلطان حسین بهادرخان ترمیم و بازسازی شده است. یکی از مورخان در این زمینه می‌نویسد:

«عمارت سر مزار فیض آثار امیر عبدالواحد بن رحمة الله ایضاً ازجمله بناهای امیر عالی‌مقدار است». (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۰۰). در منابع دیگر از خرابی طاق یکی از ایوان‌های بارگاه و عمارت امامزاده عبدالله و تعمیر آن به دستور سلطان حسین بهادرخان حکایت شده است. (واعظ هروی، بی‌تا: ۲۰) بدین وصف، تعمیر زیارت‌گاه و ساخت گنبد بر مزار امامزادگان، نشان از اهمیت مزار آن بزرگواران نزد حاکمان هرات و مردم افغانستان است.

این مهم در افغانستان تحقق یافته است و شیعه و سنی کنار هم به ساخت مزار امامزادگان می‌پردازند. برای نمونه، یکی از امامزادگان که در افغانستان مدفون است و در مزار شریف، سرپل، شهر جوزجان واقع شده است، یحیی بن زید (علیه السلام) است. بارگاه ایشان در روستایی معروف به «ارغو» یا «قراغو» در پنج کیلومتری شهر سرپل قرار دارد.

در حال حاضر بنایی جدید برای مرقد مطهر یحیی بن زید (علیه السلام) در حال ساخت است که یک ساختمان بزرگ کانکریتی (نوساز و با سیستم امروزی) دارد. گنبد جدید با حفظ گنبد کهن تعمیر می‌شود که به ابعاد ۵۵ متر در ۵۵ متر و به ارتفاع ۱۲ متر است و ارتفاع نوک گنبد تا سطح زمین ۲۵ متر تخمین زده می‌شود. این بنا در دو طبقه و با امکانات و اتاق‌ها و بخش‌های گوناگونی چون سرویس‌های بهداشتی، کتابخانه، بخش فرهنگی و... است. صحن مرکزی این بنا ۶۲۱ متر زمین

دارد و دارای چهار درب ورودی است. (عبدلی رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۱۸)

ریاست و مدیریت ساخت و ساز این بقعه متبرک را آیت‌الله عالمی بلخایی از عالمان شیعه به عهده دارد، ولی کنار ایشان از شخصیت‌های سنی نیز در ساخت آن همکاری کرده‌اند. چنان‌که آیت‌الله عالمی از شیعیان مناطق مختلف کمک جمع‌آوری می‌کند و اهل سنت نیز کمک مالی می‌کنند. کارمندان این مکان را نیز بیشتر اهل سنت تشکیل می‌دهند که خودشان را از نسل بی‌بی پانما و از اولاد امام اعظم می‌دانند. آنان معتقدند این زیارت‌گاه باید توسط آنها اداره شود. (همان، ۱۱۸-۱۱۹) البته این مسئله از این حیث که باعث همگرایی میان شیعه و سنی شده و همزیستی مسالمت‌آمیز شیعه و سنی را در اداره یک مرکز دینی و فرهنگی در پی داشته، امری پسندیده است.

۴-۳. دفن اموات شیعه و سنی کنار حرم امامزادگان

یکی از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های همگرایی، که قبور متبرکه امامزادگان در ایجاد آن، نقشی مؤثر دارد، دفن اموات کنار مزارات امامزادگان است. مردم مسلمان افغانستان اموات‌شان را کنار قبر این بزرگواران دفن می‌کنند. کنار بسیاری از مزارات و مدفن امامزادگان، قبرستان عمومی قرار دارد که مردم برای روح اموات خویش نیز دعا و فاتحه می‌خوانند. مردم مسلمان افغانستان باور دارند که اگر اموات خویش را در جوار امامزادگان عظیم‌الشان دفن کنند، اموات آنها به خاطر عظمت آن بزرگواران، از شفاعت هم‌جواری آنها نیز بهره‌مند می‌شوند. چنان‌که سیدسراج‌الدین بلخی، مولانا حسام‌الدین عبدی و دیگر بزرگان کنار قبر سیدعبدالله دفن شده‌اند. (واعظی هروی، بی‌تا: ۳۳)

دفن شهدای دوران جهاد اسلامی افغانستان اعم از شیعه و سنی، کنار بارگاه امامزادگان از دیگر عوامل همگرایی میان مسلمانان این سرزمین به حساب می‌آید. مردم مسلمان افغانستان ضمن احترام به قبور آنان فاتحه و صلوات برای آنها به ایشان توسل می‌جویند. (ولی شاه، بی‌تا: ۱۶)

شهدای جهادی افغانستان نیز نزد همه مردم این سرزمین از احترام خاصی برخوردارند. دفن آنان در بقاع متبرکه و زیارت شهدا می‌تواند بر همگرایی میان شیعیان مسلمان افغانستان مؤثر باشد.

نتیجه

مردم مسلمان افغانستان، اعم از شیعه و سنی، به امامزادگان عظیم الشان و بزرگان دینی اعتقاد و ارادت قلبی داشته، آنان را به مثابه اُسوه و الگو می‌دانند. آنان همه‌روزه به‌ویژه در ایام و مناسبت‌های خاص، مانند روز جمعه، اعیاد اسلامی و عید نوروز، به زیارت این اماکن مقدس می‌روند. براین اساس، نقش قبور امامزادگان در ایجاد همگرایی میان مسلمانان، برجسته و قابل ستایش است. از شاخصه‌ها و مؤلفه‌های همگرایی میان مردم مسلمان افغانستان، که امامزادگان در آن نقش دارند، می‌توان به همگرایی فرهنگی، مانند زیارت قبور امامزادگان، توسل به آن بزرگواران، آشنایی با باورها و اعتقادات همدیگر و دفن اموات کنار حرم امامزادگان نام برد؛ به عبارتی دیگر همچنان که شیعیان به زیارت این بقاع می‌روند و به آن بزرگواران متوسل می‌شوند، و به دعا و نیایش می‌پردازند، اهل سنت نیز در این امور وحدت نظر رویه دارند. همچنین در جلسه‌های وعظ و نصیحت، که توسط عالمان شیعه و اهل سنت برگزار می‌شود، به صورت مشترک شرکت می‌کنند.

در ایام محرم و عاشورای حسینی، اهل سنت مانند شیعیان به مزارات امامزادگان رفته و به عزاداری و مرثیه‌خوانی برای امام حسین (علیه السلام) می‌پردازند و نذری می‌دهند. در آغاز سال نو و عید نوروز یکی از برنامه‌های زیبا و قابل تحسین مردم افغانستان، بلند کردن پرچم و علمی به نام امام علی (علیه السلام) است که در سخی مزار شریف و برخی بقعه‌های متبرک هرات برگزار می‌شود. اقشار مختلف جامعه یاعلی‌گویان در این مراسم شرکت می‌کنند که نماد همگرایی، تعامل مثبت و همزیستی مسالمت‌آمیز به حساب می‌آید.

فهرست منابع

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، (۱۴۰۶ق)، منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه و القدریه، تحقیق محمدرشاد سالم، ریاض: جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه.
۲. ابن حجر عسقلانی، (۱۳۷۹ق، و ۱۴۰۷ق) فتح الباری بشرح صحیح البخاری، بیروت، دارالمعرفه، و قاهره، دارالریان للتراث.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد، (۱۴۱۶ ه.ق)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، مؤسسة الرسالة - لبنان - بیروت، چاپ اول.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمان، (۱۳۸۸)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوازدهم.
۵. ابن عنبه، جمال الدین، (۱۳۴۶)، الفصول الفخریه، تحقیق میرهاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران.
۶. ابن فندق، (۱۴۱۰ق)، لباب الالباب و الانساب و الاعقاب، تحقیق سیدمهدی رجایی، با مقدمه آیت الله مرعشی، قم، مکتبه مرعشی.
۷. احمدی، امیدعلی، (۱۳۸۱)، نخبگان و همگرایی فرهنگی، مجموعه مقالات دولت، مردم و همگرایی، محسن فرد و اصغر رضوانی، تهران، چاپ اول.
۸. احمدی، عبد البصیر، (۱۳۸۵ش)، نوروز در افغانستان، چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی، ش ۲۲، فروردین.
۹. امیرخانی، رضا، (۱۳۹۰ش)، جانستان کابلستان، تهران، افق.
۱۰. انوری، حسن، (۱۳۸۱ش)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن.
۱۱. آریانفر، شمس‌الحق، (۱۳۸۳ش)، سیمای حضرت علی (علیه السلام) در فرهنگ مردم فارسی زبان، بیجا، بینا.
۱۲. آفندی، عبدالله بن عیسی‌بیگ، (۱۳۸۹ش)، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء (ترجمه)، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ایران، مشهد مقدس، چاپ دوم.
۱۳. باخرزی، علی بن حسن، (۱۴۱۴ ه.ق)، دمیة القصر و عصره أهل العصر، دار الجیل، بیروت - لبنان.

۱۴. بختیاری، محمدعزیز، (۱۳۸۵ش)، شیعیان افغانستان، قم، موسسه شیعه شناسی، چاپ اول.
۱۵. بناکتی، ابوسلیمان داوود، (۱۳۴۸ش)، تاریخ بناکتی، به کوشش جعفر شعار، تهران، انجمن آثار ملی.
۱۶. بورکی، سرژ، (۱۳۶۰ش)، سرگذشت پیر هرات، ترجمه فرهاد روان، تهران.
۱۷. بیهقی، أحمد بن الحسین الخراسانی (۱۴۱۰ق)، السنن الصغیر للبيهقي، تحقیق: عبد المعطي أمين قلجی، جامعة الدراسات الإسلامية، کراتشی، پاکستان، چاپ اول.
۱۸. بیهقی، أحمد بن الحسین الخراسانی (۱۴۱۲ق)، معرفة السنن والآثار، جامعة الدراسات الإسلامية (کراتشی پاکستان)، دار قتیبة (دمشق، بیروت)، دار الوعي (حلب، دمشق)، دار الوفاء (المنصورة، القاهرة)، چاپ اول.
۱۹. تابنده گنابادی، سلطان حسین مشهور به رضا علی شاه، (۱۳۵۵ش)، گردش افغانستان و پاکستان، [بی جا]، چاپخانه حیدری.
۲۰. ترمذی، محمد بن عیسی، (۱۴۱۹ق)، سنن ترمذی (الجامع الصحيح و هو سنن الترمذی)، دار الحديث، مصر، قاهره، چاپ اول.
۲۱. جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۶)، مجموعه مقالات همایش عالمان دینی افغانستان، ره‌آوردها و راهبردها، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول.
۲۲. جوزجانی، منهاج سراج، طبقات ناصری - تاریخ ایران و اسلام، تحقیق عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، چاپ اول، ۱۳۶۲.
۲۳. جوینی، علاء الدین عطاء الملك بن بهاء الدین محمد بن محمد، (۱۳۸۵ش)، تاریخ جهانگشای جوینی، تحقیق و تصحیح: محمد قزوینی، تهران، دنیای کتاب، چاپ چهارم.
۲۴. خلیل، محمد ابراهیم، (۱۳۴۱ش)، «بعضی از مزارات متبرکه آقچه و شبرغان و سرپل»، آریانا، ش ۲۳۵، اسد (مرداد).
۲۵. خوامی منشی، شهاب الدین، (۱۳۵۷ش)، منشأ الانشاء، تهران، انتشارات دانشگاه ملی.
۲۶. خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین (۱۳۸۰)، تاریخ حبیب السیر، تهران، خیام، چاپ چهارم.

۲۷. خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین، (۱۳۷۲). مآثر الملوك، تحقیق و تصحیح: میر هاشم محدث، تهران، رسا، چاپ اول.

۲۸. درگاهی، مهدی، (۱۳۹۶ش)، زیارت از منظر فقه مذاهب اسلامی، قم، مرکز بین-المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله، چاپ اول.

۲۹. دمیاطی بکری الشافعی، عثمان بن محمد، (۱۴۱۸ق)، اعانه الطالبین علی حل الفاظ فتح المعین، دارالفکر، بیروت.

۳۰. دولت آبادی، بصیر احمد، شناسنامه افغانستان، محمدابراهیم شریعتی افغانستانی (عرفان) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۳۸۷ شمسی.

۳۱. راوندی، مرتضی (۱۳۸۲ش)، تاریخ اجتماعی ایران، تهران، انتشارات نگاه، چاپ دوم.

۳۲. رحمانی ولوی، مهدی، (۱۳۸۶)، تاریخ علمای بلخ، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ایران، مشهد مقدس، چاپ اول.

۳۳. ساروخانی، باقر، (۱۳۸۰)، درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان، چاپ سوم.

۳۴. سبحانی، جعفر، (۱۴۲۵ق)، رسائل و مقالات، قم، مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام، چاپ دوم.

۳۵. سبکی شافعی تقی الدین علی بن عبدالکافی، (۱۴۱۹ق)، شفاء السقام فی زیاره خیر الانام، تحقیق سیدمحمد رضا حسینی جلالی، چاپ چهارم.

۳۶. شبانکاره، محمد بن علی بن محمد (۱۳۶۳)، مجمع الانساب، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران، امیرکبیر.

۳۷. ضیایی، محمد رضا، (۱۳۹۸ش) تاریخ حوزه های علمیه شیعه در افغانستان، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله، چاپ دوم.

۳۸. عبدلی رحیمی، محمد علی، (۱۳۸۹ش)، روایت نابسامانی: یادداشت های سفر به ولایاتی از کشور، تهران، عرفان.

۳۹. العبسی، أبو بکر بن أبي شيبه، عبد الله بن محمد، (۱۴۰۹ق)، الكتاب المصنف في الأحادیث والآثار، تحقیق: کمال یوسف الحوت، مكتبة الرشد، الرياض، چاپ اول.

۴۰. فضل الله، رشیدالدین، (۱۳۷۴)، جامع التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، تهران،

اقبال، چاپ چهارم.

۴۱. فیض کاشانی، محمد، (۱۳۷۶ش) المحجّه البيضاء فی تعذیب الحیاء، تصحیح علی-اکبر غفاری، دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۲. کولایی، الهه، (۱۳۷۹ش)، اکو و همگرایی منطقه‌ای، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۴۳. ابو الفضل مبارک، (۱۳۸۵ش)، اکبرنامه تاریخ گورکانیان هند، تحقیق و تصحیح: غلام‌رضا طباطبایی مجد، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.
۴۴. مشار، خان بابا، (۱۳۴۰ه.ش)، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون، [بی‌نا] - [بی‌جا]، چاپ اول.
۴۵. مفتی عبدالسمیع، (فرید)، (۱۳۹۳ش)، سیمای منور شهزادگان هرات، بیجا، چاپ اول.
۴۶. مولوی قندهاری، محمد حسن، (بی‌تا)، گلزار قندهار، نجف اشرف، مطبعه النعمان.
۴۷. ناصری داوودی، عبدالمجید، (۱۳۸۸ش)، انقلاب کربلا از دیدگاه اهل سنت، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ چهارم.
۴۸. _____، (۱۳۷۸ش)، تشیع در خراسان عهد تیموریان، مشهد، استان قدس رضوی، چاپ اول.
۴۹. نخستین، مهدی، تاریخ سرچشمه‌های اسلامی آموزش و پرورش غرب، ترجمه عبدالله ظهیری، مشهد، استان قدس رضوی، ۱۳۶۷.
۵۰. نسائی، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعیب، (۱۴۲۱ق)، السنن الکبری، تحقیق، حسن عبد المنعم شلبي، تحت اشراف شعیب الأرناؤوط، مؤسسة الرسالة، بیروت، چاپ اول.
۵۱. نوایی، عبد الحسین (گردآورنده)، (۱۳۷۹ش)، رجال کتاب حبيب السیر، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم.
۵۲. واصفی، زین الدین محمود، (۱۳۴۹ش)، بدایع الوقایع، تحقیق و تصحیح: الکساندر بلدروف، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۵۳. واعظ هروی، سید اصیل‌الدین، (بی‌تا)، رساله مزارات هرات، شامل سه حصه، تصحیح و حواشی فکری سلجوقی، کابل، موسسه نشر کابل، بی‌تا، حصه اول.
۵۴. وامبری، آرمینیوس، (۱۳۸۷ش)، سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه،

شرکت انتشارات علمی فرهنگی، تهران، چاپ ششم.

۵۵. ولی شاه بهره، (بیتا)، هرات نگین خراسان، هرات، انتشارات احقراری هرات، چاپ دوم.

۵۶. الویری، محسن، (۱۳۸۷ش)، تعیین سیاست‌های همگرایی بین مذاهب رسمی کشور، زیر نظر علی‌رضا پیروزمند، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.